

# گل و بلبل نیست

به عنوان میراث مشترک اقوام ایرانی به گفت‌وگو پرداخته است



ترویج زبان فارسی همراه با فتوحات عثمانی گسترش یافت. با فتح مناطقی مثل بودایست و بخش هایی از بالکان همچون بوسنی و هرزگوین، آلبانی و کوزوو شاعران و نویسندگان فارسی‌زبان نیز در آنجا حضوری پررنگ داشتند به‌خصوص در بوسنی که تا همین اواخر شاعران و نویسندگان فارسی زبان داشته است. زبان فارسی به‌عنوان یکی از سه زبان رسمی امپراتوری عثمانی در تمامی مناطق تحت نفوذ این امپراتوری مورد احترام بود.

در قسمت‌های دیگر مثل شام نیز آثار و متون فارسی از دوران سلجوقیان یافت می‌شود. مثلا تحریرهای فارسی کلبه و دمنه و داستان بیدای به فارسی در این مناطق نوشته شده‌اند. حتی پس از آن‌که شام تحت سلطه عثمانی قرار گرفت، شاهد ادامه خوانده‌شدن زبان فارسی هستیم یعنی نسخه‌های عربی که آنجا رفته، حاشیه‌های فارسی دارند. سجاد رضوی استاد دانشگاه اکستر و مجید دانشگر مقاله‌ای درباره تفاسیر نوشته شده در شام به رشته تحریر درآورده‌اند و نشان داده‌اند حاشیه‌های فارسی آنها نشان دهنده این است که آنها را فارسی‌زبانان می‌خوانده‌اند.

**[۴] گروهی معتقدند درست است که زبان فارسی زمانی از شرق تا غرب عالم را زیر چتر خود داشته اما امروز این زبان قدرت و ظرفیت تبدیل شدن به یک زبان جهانی و فراتر رفتن از مرزهای ملی را از دست داده است. آیا این دیدگاه را قبول دارید؟**

**محمدزاده:**قبل از پاسخ دادن به پرسش شما اجازه بدهید جمع بندی از صحبت دوستان داشته باشم. زبان فارسی به خصوص در دوران اوج و شکوه خود چهار کارکرد مهم داشته؛ یکی این که زبان رسمی واداری

## رنگو با خسرو انوشیروان

انجی و فرهنگی، باعث شد این زبان حتی در جاهایی که ایرانیان امیوج. ایران هنوز در کامیوج سفارتی ندارد اما در این کشور، تا بتواند میان ادیان مختلف در آسیای جنوب شرقی صلح برقرار ویتنام نسب خود را به شاهان ساسانی چون خسرو انوشیروان تا تشیع در آن مناطق قدرتی گرفته است. در مورد اندونزی نیز ده است. پیدا شدن جنگ‌های اشعار فارسی با زیرنویس‌هایی هنگی است.



### جایزه ملی ناداستان «پلک» به پایان رسید

نخستین جایزه ملی ناداستان «پلک» با معرفی برگزیدگان در حوزه هنری اصفهان به کار خود پایان داد. در این برنامه گلستان جعفریان، یکی از سه داور جایزه ادبی پلک، بیانیه‌هیات داوران را خواند که در آن آمده بود: ما بر این باوریم که ناداستان، بیش از هر ژانر دیگری، قدرت آن را دارد که حقیقت را بی پرده روایت کند و مرزهای درک و همدلی را گسترش دهد. جشنواره ملی ناداستان پلک، خانه این صداها و بستری برای دیده شدن آنها خواهد بود. پس از قرائت بیانیه، برگزیدگان معرفی شدند: برگزیدگان بخش مردمی: هانیه پارساییان از یزد، نگرس رضازاده از مازندران، مانده قاسم‌زاده از اصفهان، لیلا صالح از اصفهان، مانده رمضان خانی و الهه ایزدی لای بیدی از تهران. همچنین شایستگان تقدیر این بخش عبارتند از: فیهیمه میرزایی از یزد، نورالهدی تندرو صالح از تهران، هدی سادات حامی از اصفهان، محمد قائم خانی از تهران، صدیقه حسن زاده از آذربایجان غربی، فاطمه مهرابی از البرز و اوشیا میرزایی از اصفهان.

یعنی زبان دیوانی بوده است. الان نامه‌های تاریخی تیمور که به پادشاه شارل ششم فرانسه ارسال شده، موجود بوده که به زبان فارسی نوشته شده است. کارکرد دیگر این بوده که که خود این موضوع اهمیت آن را به‌عنوان زبان رسمی و دیوانی نشان می‌دهد. دومین کارکرد اصلی زبان فارسی، نقش آن به‌عنوان زبان مادری بوده است. برای بسیاری از مردم ایران، افغانستان، تاجیکستان و مناطقی از آسیای میانه، فارسی زبان مادری شان بوده است؛ زبانی که از بدو تولد با آن سخن می‌گفتند.

سومین کارکرد، زبان فارسی به‌عنوان زبانی فراگوشی و میانجی بوده است. این ویژگی به‌ویژه بین گویش‌های مختلف ایرانی که زیرمجموعه‌های زبان پهلوی یا پهلوانی هستند، مشهود بوده است. مردم مناطق متنوع و با گویش‌های مختلف از زبان فارسی به‌عنوان ابزاری برای توافق و ارتباط استفاده می‌کردند؛ توافقی که اگرچه نانوشته بود اما عملاً همه آن را پذیرفته بودند.

کارکرد چهارم کارکرد فرهنگ و دانشوری بوده که یکی از شاخه‌هایش شعر و ادبیات است. این سینا کتابی با نام «الانصاف» داشته که البته الان وجود ندارد اما خود او در یکی از آثار دیگرش به آن اشاره کرده است. این کتاب حدود ۱۰ هزار صفحه داشته و به زبان فارسی نوشته شده است. بهمنیار هم در رساله‌هایش از این کتاب اسم می‌برد. رساله‌های فلسفی و علمی خواجه نصیرالدین طوسی همگی به زبان فارسی نگاشته شده‌اند.

حالا اگر بخواهیم بازگردیم به پرسش شما در مورد توانایی زبان فارسی امروز، آیا این زبان همچنان توانایی بقای خود را دارد؟ پاسخ را باید در تاریخ بی‌ماند این زبان جست‌وجو کرد. زبان فارسی نه تنها زبانی ادبی و هنری بوده، بلکه در گذشته‌ای نه چندان دور، وسعت فراگوشی و میانجی آن در دوران تیموریان به حدود ۲۰ میلیون کیلومتر مربع می‌رسید. مقایسه این رقم با مساحت کنونی ایران (حدود یک میلیون و ۶۴۸ هزار کیلومتر مربع) اهمیت و گستره تاریخی زبان فارسی را نشان می‌دهد. این زبان روزگاری زبان علم، تجارت و دانش در این قلمروی وسیع بوده است. در بالکان که شما اشاره کردید، در همان قرن، مردم از آناتولی تا بالکان به حدی با حافظ و سعدی آشنا بودند و آثارشان را می‌خواندند که فردی به نام احمد سودی مجبور یا ترغیب می‌شود شرحی بر دیوان حافظ بنویسد. این شرح برای چه کسانی نوشته می‌شود؟ برای همان کسانی که حافظ می‌خواندند. بدیهی است که اگر در آن منطقه کسی حافظ نمی‌خواند، نوشتن شرح بر دیوان او کاری بی‌معنا و بیهوده بود. این نشان دهنده گسترش نفوذ زبان و ادبیات فارسی در آن زمان است.

اما امروز، آیا زبان فارسی چنین توانایی را دارد؟ پاسخ قاطعانه‌ای نمی‌توانیم بدهیم که ندارد، زیرا دلایلی برای این ادعا وجود ندارد.

گسترش زبان فارسی وابسته به عوامل مختلفی است. از جمله تولید محتوای مرغوب. امروز اگر کسی در هر نقطه‌ای از جهان بخواهد در زمینه عرفان تحقیق کند، ناچار است سراغ آثار عطار برود، مولوی را بخواند یا تذکرةالاولیا را مرور کند، زیرا این منابع بنیادین هستند برای درک تاریخ عرفان و تصوف اسلامی. بنابراین به همان میزانی که محتوای فاخر تولید کنیم، می‌توانیم انتظار داشته باشیم زبان فارسی همچنان زنده بماند. چرا فردوسی می‌گوید من با شاهنامه زبان فارسی را زنده کرده‌ام؟ برای این‌که شاهنامه یک متن فاخر است و خود به‌تنهایی می‌تواند در دنیای فرهنگ حرکت کند، به نقاط مختلف جهان برسد و کریستین سن و نولدکه و ماسه و دیگران مجبور یا ترغیب می‌شوند که برای درک و مطالعه آن، زبان فارسی را بیاموزند. گونه که برای خواندن اشعار حافظ تلاش کرد یا فارسی آشنا شود، یا محققانی مانند ماری شیمل که در مطالعات خود به آثار فارسی پرداختند، گواهی بر این مدعا هستند.

زبان فارسی نه فقط در ادبیات بلکه در فلسفه نیز جایگاه‌ای دارد. هرکسی که بخواهد فلسفه ایرانی را بشناسد، ناچار است با این زبان آشنا شود.

برای پاسداشت و پیشرفت زبان فارسی هیچ نکته‌ای به اندازه تولید متن فاخر، مؤثر نیست. تلاش‌هایی مانند پرهیز از استفاده از واژه‌های بیگانه یا جایگزینی آنها با واژه‌های فارسی، هرچند اهمیت دارند اما منتها بخشی سطحی از تلاش برای حفظ زبان هستند. اصل موضوع در این است که متنی تولید کنیم که ارزشمند و تأثیرگذار باشد؛ زیرا چنین آثاری جهان را به سوی خود جلب می‌کنند، ترجمه‌شده و باعث گسترش زبان و فرهنگ تولیدکننده‌شان می‌شوند.

در عصر امروز، با وجود رابان سپهر یا فضای مجازی و دسترسی سریع به اطلاعات، فرصت بی‌نظیری برای جهانی کردن فهم زبان فارسی وجود دارد. برخلاف زمان فردوسی که اولین نسخه‌های شاهنامه بعد از حدود ۲۰۰ سال از تاریخ او به جا مانده، امروز هر محتوای ارزشمند به سرعت می‌تواند در اختیار مخاطبان جهانی قرار گیرد. اگر در زمینه‌های علمی، فلسفی، فرهنگی یا حتی اقتصادی متون فاخر تولید شود، زبان فارسی همچنان می‌تواند جایگاه خود را حفظ کند. البته واقعیت این است که ما نسبت به زبان‌های مطرحی همچون انگلیسی و فرانسوی عقب افتاده‌ایم؛ زبان‌هایی که کشورهایی نظیر انگلستان و فرانسه تمامی امکانات خود را برای گسترش و حفظ جایگاه‌شان به‌کار گرفته‌اند. اگر به تاریخ نگاه کنیم، می‌بینیم که

انگلستان چطور برای تثبیت نفوذ خود در شبه‌قاره از زبان فارسی بهره برده است. اولین روزنامه‌های فارسی‌زبان، حدود ۵۰ سال قبل از آن‌که در ایران روزنامه‌ای چاپ شود، توسط خود انگلیسی‌ها در هند منتشر شدند. در زمان حاضر نیز، کشورهای قدرتمند برای حفظ زبان خود سرمایه‌گذاری‌های عظیمی انجام می‌دهند. برای مثال، گفته می‌شود فرانسه سالانه ۴۰ میلیارد یورو صرف نگهداری و ترویج زبان فرانسوی در نقاط مختلف جهان می‌کند. ما هم به اندازه‌ای که تلاش و سرمایه‌گذاری کنیم، می‌توانیم سهم برداریم.

**[۴] در جامعه‌شناسی، اصطلاح «امپریالیسم زبانی» که برآمده از دیدگاه نئومارکسیست هاست، آشناست. آنها معتقدند تسلط زبان انگلیسی بر جهان نوعی استعمار فرهنگی است. در مقابل، عده‌ای هم به شرایط فعلی دنیا نگاهی دیگر دارند و این را می‌پذیرند که زبان انگلیسی امروز به زبان میانجی جهانی تبدیل شده است؛ همان‌طور که در گذشته، زبان فارسی چنین جایگاهی را داشت. واقعیت این است که نسل جدید، به دلیل افزایش ارتباطات جهانی و نیاز به حضور در صحنه بین‌المللی، بیشتر به سمت زبان انگلیسی گرایش پیدا کرده است. برای آنها این سؤال مطرح می‌شود که چرا باید انرژی خود را صرف تبدیل کردن زبان فارسی به یک زبان علمی کنند، وقتی زبان علم جهانی اکنون انگلیسی است؟**

**عبدگاه طرهبه‌ای:** این دیدگاه وقتی ایجاد می‌شود که برای فرد، خودش و این‌که از کجا آمده و که هست، اهمیتی نداشته باشد. اگر دکمه‌ای باشد و ایران و زبان فارسی را از روی کره زمین حذف کند، کسی از آمریکانمی‌آید بگوید چه حیف شد که ایران و زبان فارسی از دنیا حذف شد. این ماییم که به دنبال هویت خودمان باید باشیم. مگر فرانسوی‌ها چه کار می‌کنند؟ می‌گویند بگذارید زبان انگلیسی رواج پیدا کند و ما کاری به آنها نداشته باشیم؟! نه، آنها به شدت برخورد می‌کنند و برخلاف این وادادگی که در ایران هست، فرانسوی‌ها حتی حاضر نیستند تابلوهای انگلیسی را در خیابان‌ها و گذرگاه‌ها نصب کنند. برای آنها مهم است که هرکسی که وارد کشورشان می‌شود، مجبور باشد زبان فرانسوی یاد بگیرد تا بتواند ارتباط برقرار کند. می‌گویند ما برای حفظ هویت فرانسوی تلاش می‌کنیم و به ما ربطی ندارد که آن گردشگر آمریکایی کارش با انگلیسی راه می‌افتد. اگر جامعه‌ای احساس کرد چستی و هستی او مهم نیست، واداده و حذف خواهد شد. کشورهایی که هویت برای شان مهم است، برای حفظ آن هزینه و تلاش می‌کنند و حتی اجازه نمی‌دهند زبان‌های بیگانه یک قدم به فرهنگ‌شان وارد شوند.

ما در برخی حوزه‌ها، به‌ویژه در رسانه‌ها و مدیریت‌ها، اولویت‌ها را تغییر داده‌ایم و مسائل دیگری را جایگزین هویت ملی کرده‌ایم که طبعاً به تضعیف و سرکوب گرایش‌های ملی منجر شده و با گذر زمان متوجه شده‌ایم که چقدر دیر اهمیت ملیت را درک کرده و فهمیده‌ایم خود ایران هم مهم است. زمانی تصور شد چون حکومت قبلی خیلی شعار ملی‌گرایی داده است، خود ملی‌گرایی هم غلط بوده است در حالی‌که بعد از چند دهه متوجه شده‌ایم که ایران و موجودیت آن چقدر مهم است و در جاهایی سن‌گرهای مان را از دست داده‌ایم. ملی‌گرایی مسأله‌ای نیست که اشتباه باشد. ایران همچنان با برجاست و نباید از بین برود. حکومت‌ها تغییر کرده‌اند اما ایران ثابت مانده است. مردم همان مردمند و شاهنامه همچنان شاهنامه است. علیه فردوسی انقلاب نشده که بخواهیم او را حذف کنیم. شاهنامه و زبان فارسی هویت ملی ما هستند که نباید از دست بروند. در کشورهای دیگر برای نمادهای ملی سرمایه‌گذاری می‌کنند اما ما در بسیاری موارد آنها را کنار گذاشتیم. تازه در مقاطع خاصی یادمان می‌آید که چقدر ارزشمندند. آن‌هم سطحی و فضلی. مثلاً در ایام انتخابات سرود ملی چندین بار بخش می‌شود اما در سایر زمان‌ها

چندان اثری از آن نیست. سرودهای ملی و آهنگ‌های نمادین به کجا رفته‌اند؟ آیا ما بودجه‌ای برای تقویت و گسترش مفاهیم ملی جشنواره‌های ملی اختصاص داده‌ایم؟ جایزه‌هایی که داده‌ایم چقدر به مفاهیم ملی ارتباط داشته‌اند؟ بیشتر تمرکز بر مسائل ایدئولوژیک بوده است و کمترین میزان بر مفاهیم ملی متمرکز بوده است. همان‌طور که دکتر محمدزاده هم اشاره کرد، هرچاهزینه کنیم، همان چنانچه‌می‌گیریم. اگر برای حفظ ملیت و زبان خرج نکرده‌ایم، نباید انتظار بهره‌وری داشته باشیم. ما حتی با نمادهای ملی خود مبارزه کرده‌ایم، به اشتباه آنها را تضعیف کرده‌ایم، و حالا که دارند از دست می‌روند، تازه متوجه ارزش‌شان شده‌ایم. این مسأله بسیار جدی و مهم است. در بسیاری از کشورها حاضر نیستند کوچک‌ترین خدشه‌ای به نمادهای ملی وارد شود اما ایران خود با این بی‌توجهی در حال ضربه زدن به خود است. برای تحلیل و ارائه راهکاری مناسب در خصوص تقویت جایگاه زبان فارسی و رقابت آن در عرصه جهانی، ابتدا باید حساسیت‌ها و دغدغه‌هایی که در این زمینه مطرح شده‌اند، بررسی شوند. حساسیت‌های ملی در سخنان کسانی که تربیون دارند، بسیار کم است.

ادامه دارد...

بخش نخست

جامعه

فرهنگ

CULTURE

شنبه ۱۱ اسفند ۱۴۰۳ شماره ۶۹۹۴

درنگ

### بیانات رهبر معظم انقلاب درباره مرجعیت زبان فارسی



از پیشرفت علمی در کشور برای گسترش و نفوذ زبان فارسی استفاده شود. زبان خیلی مهم است برادران و خواهران عزیز! اهمیت زبان ملی یک کشور برای خیلی‌ها هنوز دانسته و شناخته نیست. زبان فارسی باید گسترش پیدا کند. باید نفوذ فرهنگی زبان فارسی در سطح جهان روزه‌روز بیشتر شود.

فارسی بنویسید، فارسی واژه‌سازی کنید و اصطلاح ایجاد کنید. کاری کنیم که درآینده، آن کسانی که از پیشرفت‌های علمی کشور ما استفاده می‌کنند، ناچار شوند بروند زبان فارسی را یاد بگیرند. این افتخاری نیست که ما بگوییم حتما زبان علمی کشور ما فلان زبان خارجی است. زبان فارسی این قدر ظرفیت و گنجایش دارد که دقیق‌ترین و ظریف‌ترین علوم و دانش‌ها می‌توانند با این زبان بیان شوند. ما زبان پر ظرفیتی داریم. کم‌این‌که بعضی از کشورهای اروپایی هم نگذاشتند زبان انگلیسی تبدیل شود به زبان علمی آنها. مثل فرانسه، مثل آلمان - اینها زبان خودشان را به‌عنوان زبان علمی در دانشگاه‌های‌شان حفظ کردند. مسأله زبان، مسأله بسیار مهمی است؛ واقعا احتیاج دارد به این که حمایت به خرج دهید. یکی از اهتمام‌هایی که دولت‌های آگاه و هوشیار در دنیا انجام می‌دهند، تکیه بر روی گسترش زبان ملی‌شان در دنیاست. متأسفانه با غفلت خیلی از کشورها، این کار اتفاق نیفتاده؛ حتی زبان‌های بومی را، زبان‌های اصلی بسیاری از ملت‌ها را به‌کلی از بین برده یا تحت الشعاع قرار داده‌اند.

بنده از پیش از انقلاب، از این‌که واژه‌های بیگانه بی‌دریغ در دست و زبان مردم ما به کار می‌رفت و به آنها افتخار می‌کردند - گانه کسی اگر چنانچه یک مطلبی را با یک تعبیر فرنگی بیان کند، این را یک افتخاری می‌دانست. همیشه رنج می‌بردم؛ متأسفانه تا امروز هم این باقی است! خیلی از سنت‌های غلط پیش از انقلاب، با انقلاب از بین رفت؛ این یکی متأسفانه از بین نرفت؛ یک عده‌ای گانه افتخار می‌کنند که یک حقیقتی را، یک عنوانی را با یک واژه فرنگی بیان کنند؛ درحالی‌که واژه معادل فارسی برای آن عنوان وجود دارد. دوست می‌دارند از تعبیرات غربی استفاده کنند؛ بعد حالا یواش‌یواش این دیگر به دامنه‌های گسترده‌ای واقعا رنج‌آور است.

(بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار اساتید دانشگاه‌ها، ۱۳۹۲/۰۵/۱۵)

دیدگاه

### حمایت از شعر نوجوان مناسب نیست

حسین تولایی، شاعر کودک و نوجوان به ایننا گفت: شعر نوجوان مخاطب دارد. مخاطبان جدی و تخصصی دارد که تعدادشان بسیار زیاد است. درواقع، تقاضا از سوی این مخاطبان وجود دارد؛ اما حمایت، سرمایه‌گذاری و عرضه کتاب شعر نوجوان هنوز در سطح مناسبی نیست. وی با بیان این‌که شعر نوجوان امروز از نظر تعداد شاعرانی که به‌طور جدی در این حوزه فعالیت می‌کنند درخرو توجه است، گفت: تعطیلی نشریات تخصصی نوجوان، تعطیلی جشنواره مطبوعات کودک ونوجوان و ظهور جشنواره‌ها و رویدادهای مناسبتی و تقویمی، شعر نوجوان را از مسیر طبیعی و آزاد خود خارج کرده است. گاه شاعران در مسیرهایی قرار می‌گیرند که لزوماً انتخاب آزادانه خودشان نیست، بلکه مسیری است که جشنواره‌ها و رویدادهای مناسبتی و تقویمی تعیین کرده‌اند. در سوی دیگر، شعرهای آزاد فضای کمتری برای عرضه دارند و کمتر مورد توجه سیاست‌گذاران و سرمایه‌گذاران فرهنگی قرار می‌گیرند و گاه حتی دیده نمی‌شوند.



### خطر ربوده شدن پایه ستون ۲۰۰۰ساله

یک کشتگر میراث فرهنگی هشدار داد؛ پایه ستونی با قدمتی حدودی بیش از ۲۰۰۰ سال، نزدیک یک دهه است در دشتی در شهرستان نورآباد ممسنی در استان فارس به حال خود رها شده و خطر ربوده‌شدن آن از سوی سوداگران و قاچاقچیان اموال تاریخی و فرهنگی وجود دارد. سیاوش آریا، به اینسانگفت؛ پایه ستون ارزشمند که بیش از ۲۰۰۰ سال دیرینگی دارد و به‌دوره کمتر شناخته شده پساخامنشی (پس از هخامنشیان) نسبت داده شده است، در یکی از دشت‌های شهرستان نورآباد ممسنی، نزدیک یک دهه است به حال خود رها شده. بخش‌هایی از این پایه ستون در گذشته از سوی سودجویان شکسته شده و خوشبختانه به سبب سنگینی، تاکنون نتوانسته‌اند آن را با خود ببرند. به یاد دارم در بهار سال ۱۴۰۱ با مدیر وقت میراث فرهنگی نورآباد ارتباط تلفنی برقرار کردم و موضوع رها شدن پایه ستون را باوگرم کردم و بنابشد فردای همان روز، این پایه ستون از مکان کنونی جابه‌جا و به موزه تازه ساخته شده نورآباد برده شود.



میراث

نمایش

### آسیب‌شناسی جشنواره‌های تئاتر کودک و نوجوان

گروه نمایش دانشکده هنر و معاونت پژوهشی دانشگاه بین‌المللی سوره، به‌عنوان برگزارکنندگان این نشست اعلام کردند: دومین نشست «ضرورت‌سنجی تئاتر کودک و نوجوان در دانشگاه‌های هنری» به میزگرد «آسیب‌شناسی پژوهشی جشنواره‌های مرتبط به تئاتر کودکان و نوجوانان در دو دهه اخیر ایران» اختصاص یافته است. از آنجا که بررسی رخداد جشنواره می‌تواند به انعکاس و بازشناسی ضعف‌ها و توانمندی‌های مجموعه‌ای از عناصر متنوع و درهم‌تنیده کمک کند متخصصان و پژوهشگران دعوت شده از ابعاد متفاوت به گفت‌وگو و هم‌اندیشی در این حوزه می‌پردازند. داوود کیانیان (نویسنده، پژوهشگر، کارگردان و مدرس تئاتر کودک)، عباس جهانگیریان (نویسنده، پژوهشگر و مدرس ادبیات داستانی)، شهرام کرمی (پژوهشگر، نویسنده و کارگردان)، شکوفه ماسوری، عضو هیأت علمی گروه تئاتر دانشگاه سوره، اکرم قاسم‌پور و عضو هیأت علمی گروه تئاتر دانشگاه سوره از دعوت‌شدگان به این میزگرد هستند.

